

بررسی عاملیت حیات معقول در تکامل تاریخ از منظر علامه محمدتقی جعفری رحمته الله

سیدضیاءالدین میرمحمدی^۱

سیده سمانه نطقی مقدم^۲

چکیده

«فلسفه نظری تاریخ» گذشته بشری را به مثابه یک واحد در نظر گرفته و در خصوص حرکت، عامل حرکت، هدف، مسیر و مراحل سیر آن، نظریه پردازی می‌کند. برخی فیلسوفان نظری تاریخ، حرکت تاریخ را رو به پیشرفت و تکامل دانسته و برخی دیگر برخلاف آن اعتقاد دارند. علامه محمدتقی جعفری، از فیلسوفان مسلمان آشنا به فلسفه اسلامی و غربی، ضمن طرح بحث محوری حیات معقول، معتقد است بشر از نظر علمی و فناوری، دارای پیشرفت بوده، ولی از منظر اخلاقی، در مسیر تکامل نیست؛ از این رو، پیشرفت‌های علمی و فناوری، در خدمت فساد و افساد در زمین قرار گرفته است. ایشان بر اساس آموزه‌های دینی معتقد است در جهان بشری بعد از دوره ظهور مصلح موعود، پیشرفت مادی، تکامل معنوی و اخلاقی با هم رخ خواهد داد. این مقاله با بررسی تبیینی این نظریه با کلیدواژه حیات معقول، به نقد این نظریه پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد این نظریه هرچند در تبیین فلسفه نظری منسجم با تکیه بر منابع دینی، موفقیت داشته و از اعتبار علمی برخوردار است، ولی در بخشی از نظریه، دارای ابهام است و از کافی نبودن استدلال‌های مطرح‌شده در اثبات نظر خویش رنج می‌برد. واژگان کلیدی: علامه محمدتقی جعفری، تکامل در تاریخ، حیات معقول، فلسفه نظری تاریخ.

۱. دکترای تاریخ و تمدن اسلامی، دانشیار و عضو گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران؛ ir.ac.
Maaref@M

۲. فارغ التحصیل سطح سه فلسفه اسلامی جامعه الزهراء علیها السلام و دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ baran.notghi1364@gmail.com

مقدمه

مفهوم تکامل تاریخی، از آگوستین تا کنون، مورد مذاقه اندیشمندان مختلف قرار گرفته است (سیدنی، ۱۳۵۶، ص ۱۱) و برخی همچون یواخیم فیوره، هگل، کندروسه، آگوست کنت و ... درباره آن، نظریات متفاوتی ارائه و طرح کرده‌اند. (راب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۵۱)

در میراث اسلامی نیز مفاهیم فلسفی درباره تاریخ و تمدن را از مقدمه العبر ابن خلدون می‌توان ردیابی کرد. از فیلسوفان معاصر، شهید مطهری به پیروی از حکمت صدرایی، قائل به تکامل تاریخ است. مهم‌ترین اثری که در آن به مفهوم تکامل تاریخ از منظر شهید مطهری پرداخته شده است، مقاله «بررسی و نقد اندیشه تکامل تاریخ از منظر استاد مطهری» از جواد سلیمانی می‌باشد. در این مقاله، دیدگاه خاص شهید مطهری، مطرح و تبیین شده است. اما در خصوص سایر فیلسوفان اسلامی مانند علامه جوادی آملی، علامه جعفری و ... کاری انجام نگرفته است. این مقاله به لحاظ سبک بررسی، الگوی مناسبی است که در این مقاله از آن بهره گرفته شده است. اما در خصوص علامه جعفری، هیچ اثر مجزایی ثبت نشده است. مقاله دیگر با عنوان «بازنمایی ابعاد تکامل در تاریخ از نظرگاه آموزه نجات‌گرایانه مهدویت» از امیرمحسن عرفان است که به تاریخ از منظر غایت‌مندی نگریسته و ابعاد تکامل تاریخ را در نظام معنایی اسلام، مطرح و بازنمایی می‌کند. در این اثر نیز از نظرات فیلسوفان اسلامی از جمله علامه جعفری مطلبی بیان نشده است.

مقاله پیش رو تلاش دارد تا به نظرات خاص علامه جعفری درباره تکامل تاریخ و مبانی و پیش‌فرض‌های فلسفی آن بپردازد. مفهوم تکامل تاریخی، زوایای مختلفی دارد و یکی از زوایایی که بدان پرداخته شده، زاویه مفهوم‌شناسی تکامل تاریخی است. علامه جعفری در شمار اندیشمندانی است که درباره این مفهوم و زوایای مختلف آن، طرح بحث کرده است. ایشان ضمن تفاوت قائل شدن بین مسئله تکامل و پیشرفت، تکامل تاریخی را واجد حرکتی دانسته و این حرکت به خاطر غایتی که دارد، در نسبت با حیات معقول در نظر گرفته شده است. از این رو این مقاله، به دنبال بازشناسی مفهوم تکامل تاریخی و نسبت آن با حیات

معقول در اندیشه علامه جعفری است و هدف از این کار، توضیح و تفسیر زوایای مختلف این مسئله با روش توصیفی-تحلیلی می باشد.

در بسیاری از آثار علامه جعفری، به مسئله «جهت حرکت تاریخ و اندیشه تکامل تاریخ» عنایت ویژه‌ای شده است. علامه بعد از طرح اصل مسئله، برخی از دیدگاه‌های فیلسوفان قائل به تکامل‌گرایی تاریخ را مطرح و دیدگاه فیلسوفان مادی‌گرا را نقد می‌کند و در نهایت، ضمن تأیید حرکت تکاملی تاریخ در برخی محورهای مد نظر فیلسوفان تاریخ، دیدگاه جدیدی برای تکامل تاریخ بیان می‌دارد که درخور تفسیر و تدبر است. بر این اساس، در این مقاله، ابتدا دیدگاه علامه جعفری را به اختصار تبیین کرده و سپس ملاحظاتی درباره آن مطرح می‌کنیم.

نظر به اینکه حجم کلمات علامه در تمام آثار ایشان درباره «تکامل تاریخ» به طور کلی و دیدگاه «تکامل تاریخ مبتنی بر حیات معقول» به طور خاص، بسیار زیاد و در بعضی موارد، عامیانه و تکراری است، در این نوشتار، ابتدا لب مطالب ایشان در قالب گزارش با نقل قول مستقیم ارائه شده و سپس ملاحظاتی درباره دیدگاه ایشان بیان می‌شود. همچنین وجه تهافت‌ها و تعارض‌های ظاهری سخنان علامه درباره اندیشه «تکامل تاریخ» بیان می‌شود. علامه محمدتقی جعفری، از علمای شیعه است که بیش از هشتاد اثر چاپ شده در زمینه تفسیر قرآن، تاریخ، کلام و فلسفه دارد. از آثار مهم ایشان، ترجمه و شرح نهج البلاغه است که ۲۷ جلد آن به زبان فارسی منتشر شده است. استاد بیش از ۷۰ جلسه بحث و گفتگو با فیلسوفانی در سطح بین‌المللی از جمله برتراند راسل، روژه گارودی، پروفیسور عبدالسلام و پروفیسور روزنتال داشته است. این سری مباحث، ایشان را وادار ساخت تا به مسئله تکامل تاریخی از منظر اسلام نیز بپردازد. لذا ایشان در کتاب فلسفه تاریخ و تمدن، پس از واکاوی مسئله حرکت تاریخ و قانونمندی در تاریخ، به ارائه نظریه حرکت تکاملی تاریخ مبتنی بر اصل حیات معقول پرداخت.

۱. مفهوم «تکامل» از منظر علامه جعفری

در بحث پیش رو، ابتدا باید مفهوم «تکامل» را به دقت بررسی کرد؛ زیرا تا زمانی که مشخص نشود مقصود از تکامل چیست، هرگونه بیان نظر در خصوص تکامل، بی فایده خواهد بود.

برخی از محققان، مفهوم «پیشرفت» و «تکامل» را مفاهیمی واحد قلمداد می‌کنند؛ درحالی‌که پیشرفت‌های موجود در دنیای جدید و همراه مدرنیته مادی است و اگرچه از جهاتی در جامعه سبب رشد شده است، اما از جهاتی دیگر، رکودی را هم برای بشر به ارمغان آورده است. از این رو علامه جعفری معتقد است: «ادعای تکامل انسان، با وجود فساد و افساد او بر روی زمین، فقط برای برای مسخره کردن خودمان بسیار مناسب است!». (جعفری، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۳۶۴)

استاد جعفری معتقد است در بیان معنا و تفسیر مسئله تکامل تاریخ، اتفاق نظری وجود ندارد؛ لذا ایشان در ابتدا تفاسیر متفاوت از معنای تکامل را بیان کرده و سپس نظر خود را ابراز می‌دارد. علامه جعفری در کتاب فلسفه تاریخ و تمدن، ابعاد گوناگون پیشرفت در جوامع انسانی را این‌گونه تفکیک می‌کند:

گروه اول کسانی هستند که معتقدند این منطقی نیست که راجع به موجودی که آگاهی ندارد و توان هدف‌گیری را ندارد، سخن از نقص و کمال و میانگین به زبان آورد.

گروه دوم کسانی هستند که کمال یک موجود را قابل انعطاف بودن و سازگار بودن با شرایط متفاوت می‌دانند، مانند حیات جانداران.

گروه سوم نیز معتقدند هر اندازه که یک موجود بتواند خود را با عوامل و شرایطی که با وی در تماس و تفاعل هستند، حفظ کند و سود خود را تأمین کند، این چنین موجودی به همان اندازه کمال یافته است. (همان، ۱۳۸۰، ص ۶۴) علامه جعفری در خصوص این دو گروه فوق قائل است: «نظریه این دو گروه مانند دو بال است برای پدیده تنازع در بقاء، با این لحاظ که گروه اول تا حدودی نرم‌تر بوده و از بین بردن جزء خود را در سر ندارد».

در پایان، استاد نظریه مختار و چهارم را ذکر می‌کند. ایشان در خصوص مسئله تکامل معتقد است که هر اندازه یک حقیقت بتواند خود را با عوامل و شرایطی که با آن در تماس است هماهنگ سازد و خود را در تماس با آنها حفظ کند، اما طوری باشد که در مسیرش به نابودی اجزاء و عوامل دیگر منجر نشود و همه را برای هماهنگ‌سازی مجموع عناصر هستی به کار بگیرد، کامل‌تر خواهد بود. به نظر ایشان، این نظر از اعتراضاتی که بر نظرات قبل بیان شده در امان است.

ایشان می‌فرماید: «این نظریه هیچ‌گاه تکامل را از ذات ماده جستجو نمی‌کند، چنان‌که حرکت و تحول را نیز از ذات ماده توقع ندارد. این دیدگاه اگر تکاملی را برای جهان و طبیعت ناهشیار می‌پذیرد، برای آن است که آفریننده هستی، چیزی را به عرصه وجود نمی‌آورد که نیستی و هستی آن یکسان باشد. و چون تکامل روانی انسانی - که از هشیاری و آزادی برخوردار است - موضوعی قطعی است و این تکامل بایستی در جهانی صورت بگیرد که قدرت پروراندن چنان تکاملی را داشته باشد، بر این اساس، جهان هستی همواره در موقعیت کمال و کمال‌بخشی قرار دارد». (همان، ص ۶۵)

به نظر می‌رسد علامه معتقد است که جهان، هر خصوصیتی که داشته باشد، بالضرورة باید بتواند هر موجودی را که در فضای مسیر تکاملی قرار دارد به کمال برساند. اما ایشان در کتاب حرکت و تحول از دیدگاه قرآن تأکید دارند که حرکت کردن از بساطت به ترکیب و از سادگی به پیچیدگی و ... تا مادامی که مستند به عوامل جبری هست، نمی‌تواند به تکاملی که در منطقه ارزش‌ها قرار دارد ورود پیدا کند؛ اگرچه که همان عوامل جبری نیز درجه‌ای از تکامل را رقم می‌زند که دارای امتیاز است. ایشان سرچشمه تکامل را ناشی از ذات طبیعت نمی‌داند و معتقد است آنچه در طبیعت رخ می‌دهد به‌طور مثال، رشد یک گیاه در خاک و استفاده از آب و نور و مواد غذایی و ... را باید تنازع در بقاء دانست. بنابراین ایشان معتقد است که کشش تکاملی، از اختصاصات طبیعی خود عالم طبیعت نیست و دارای یک مبداء الهی و خدایی است که آفریدگار جهان، این کشش را در عالم ایجاد کرده است.

علاوه بر آنچه ذکر شد، ایشان ملاک تقدّم، رشد و تکامل را سبقت‌گرفتن در امور خیر و پیشی‌جستن در رسیدن به رشد و کمال می‌دانند: «در جریان کلی تاریخ، هر قوم و جامعه‌ای برای خود، هدف‌گیری خاصی داشته و امتیازاتی به دست آورده است، اما آنچه که مطلوب مکتب الهی در هدف کلی هستی است، تکاپو و پویایی در مسیر خیر و کمال است و انسان فقط با این پویایی است که وارد منطقه ارزش‌ها می‌شود و لا غیر». (همان، ص ۸۰)

با توجه به مطالب ذکرشده روشن می‌شود علامه جعفری در ابتدا تکامل را امری تشکیکی در ماده و غیر ماده می‌پندارد و در مرحله دوم، این کمال را برای شیء، تنها در مسیر امور خیر و قرب الی الله، کمال حقیقی می‌داند.

۲. مقدمات فهم دیدگاه تکامل تاریخ علامه جعفری

برای تبیین دیدگاه علامه جعفری، باید به برخی از مبانی نظری ایشان اشاره کرد. البته این مبانی در سخنان ایشان به صورت پراکنده ذکر شده است، اما با مطالعه و دقت در مجموع آثار ایشان درباره اندیشه «تکامل در تاریخ»، می‌توان به نکاتی برای فهم دقیق‌تر نظر ایشان تحت عنوان «تکامل تاریخ مبتنی بر حیات معقول» دست پیدا کرد:

۲.۱. حرکت در تاریخ

استاد جعفری به اهمیت و نقش دین و خداوند در تکامل تاریخ و حرکت در طول تاریخ اشاره می‌کند و هر نوع تحول و دگرگونی که مستند به خداوند باشد را حرکت به سوی کمال و تکامل میدانند نه نزول و رو به زوال. (همان، ص ۹۰)

ایشان در کتاب جبر و اختیار می‌فرماید: «همه موجودات و حوادث از حرکت ماده نشات می‌گیرد و حرکت در هر آن و لحظه، از خداوند فیاض سرازیر خواهد شد؛ یعنی حرکت مثل ماده، خاصیت ثبوت ممتد ندارد و پروردگار است که به‌طور مستمر، آن حرکت را در ماده ایجاد و خلق می‌کند. اما وی تأکید دارد که حرکت به‌طور مطلق، یک حقیقت

واحدی است که آن را تحول از حالی به حالی دیگر نیز می‌گویند. این حرکت به خودی خود، باعث بروز اختلافات شگفت‌انگیز ماده و شئون آن نمی‌تواند باشد. پس به ناچار، وجود ماده‌ای که این حرکات در آن ماده پدیده‌های گوناگونی را خلق کند، از سوی خالقیت خداوند موجود گشته است، به نحوی که با ریزش حرکت در آن ماده، اختلاف‌ها محسوس پیدا می‌شود و تمام اقتضاهایی که مواد و حرکات در گرداندان جهان هستی، از خداوند دریافت می‌کنند». (همان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸)

از نظر استاد جعفری، انسان نیز مبتنی بر نظریه حیات معقول، همواره در تمام مراحل زندگی خود در تکاپوی رسیدن به مرحله‌ای کامل‌تر به سر می‌برد و کمال معقول انسان در پرتو امر مقدس و معنوی، امکان‌پذیر خواهد بود.

۲.۲. قانونمندی تاریخ

به نظر استاد جعفری، همان ملاکی که عالم هستی را قانون ساخته است، تاریخ بشر را قانونی کرده است. اثبات قانونی بودن هر دو قلمرو جهان و تاریخ، به بحث مشروحی نیاز ندارد. در واقع آنچه مهم است حیات انسانی و شئون و پدیده‌های آن در جهانی است که در آن زندگی می‌کند. علامه جعفری با ذکر مثال سرنوشت یک دانه گندم و چگونگی تعیین تفاعلات آن در یک دستگاه باز بر آن است تا وضع طبیعی انسان را نیز مانند همان گندم در نظامی باز نامشخص عنوان کند.

بنابراین علامه معتقد است از یک سو، نظام وجودی انسان در هر دو بعد طبیعی و روانی باز است و از سویی دیگر، در جهانی زندگی می‌کند که آن هم در نظامی باز قرار گرفته است؛ پس انسان هرگز قادر نخواهد بود سرنوشت قطعی و دقیق و مشخص آینده جامعه خود را با دلایل علمی قانع‌کننده پیش‌گویی کند.

استاد در ادامه، درباره معنای بازبودن نظام وجودی بشر و دنیایی که در آن زندگی می‌کند، می‌فرماید: «آگاهی و اختیار انسان دارای محدودیت است و آدم نمی‌تواند

علت‌های حوادث تاریخی و شخصیت‌های تأثیرگذار آن را در زمانی از تاریخ، مشخص و تنظیم کند و به مثابه علم فیزیک، نظر قطعی دهد. البته نظام وجودی بشر، باز است و او با استعدادها و قوای روانی و بهره‌گیری از قوانین موجود بر طبیعت، موجودیت خود را در این جهان، بازسازی می‌کند». (همان، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

بنابر نظر علامه جعفری در خصوص مسئله قانونمندی تاریخ، اگر تاریخ مانند موجودیت شخصی یک انسان از آغاز تکوّن نطفه او تا لحظه آخر زندگی‌اش تصور شود، اگرچه انسان از آغاز وجودش تا پایان زندگی‌اش، یک شخص معین است، ولی هریک از اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده این شخص معین، در به وجود آمدن و استمرار و حرکت خود، تابع قوانین مخصوص به خود است. این قوانین مبتنی بر نظریه حیات معقول، در مسیر تکاملی انسان در تاریخ، نقش کلیدی دارند.

۳. ابعاد تکامل تاریخ از منظر علامه جعفری

به نظر می‌رسد استاد جعفری نیز پیشرفت بشر در دو بعد ابزارسازی و صنعتی و ساخت اجتماعی را امری غیر قابل انکار می‌داند، اما با مطالعه آثار ایشان در این زمینه، معلوم می‌شود منطق علامه در تاریخ و تکامل آن بسیار آرمانی و ایده‌آل است و ایشان تکامل را فقط در اخلاق انسانی و ارزش‌های اخلاقی، اصل اولیه و لازم‌الاجرا دانسته است.

استاد جعفری، به‌طور مشخص و جداگانه‌ای، به بیان ابعاد تکاملی تاریخ در بیانات خود پرداخته است، اما متناظر با بحث‌هایی که در زمینه تعریف تکامل بیان شد و با مطالعه آثار و اشارات ایشان در زمینه‌های مختلف، به نظر می‌رسد علامه جعفری ابعاد زیر را در تکامل تاریخی باور دارند:

۳.۱. تکامل در علم

به نظر استاد جعفری، اگر علم به معنای پیشرفت در پزشکی، بهداشت و ... باشد، شکی

نیست که جامعه بشری به دستاوردهای جدید و کارآمدی دست یافته است. ایشان اذعان دارد که عمل‌های جراحی پیشرفته‌ای که انجام می‌شود، به سبب توسعه در علم پزشکی و... است.

۳,۲. تکامل در تکنولوژی و فناوری

به نظر استاد جعفری، تکامل در فناوری نیز فرقی با تکامل در علم ندارد و همان‌طور که بشر در علم پیشرفت کرده است و می‌تواند اعمال شگفت‌انگیزی انجام دهد، همان‌طور نیز می‌تواند رایانه‌های فوق‌العاده کارساز بسازد. لذا تکامل در تکنولوژی، امری انکارناپذیر است.

۳,۳. تکامل در اقتصاد

علامه به‌طور مشخص، به ذکر نمونه‌هایی از تکامل اقتصادی پرداخته است؛ اما می‌توان گفت تکامل اقتصادی، وابسته به تکامل علم و فناوری است و چون علم و فناوری توسعه می‌یابد، به‌طور قطع به لحاظ اقتصادی نیز نتایجی را خواهد داشت. لذا تکامل اقتصادی نیز رخ می‌دهد.

۳,۴. تکامل در اخلاق

مسئله اصلی علامه جعفری که مبنای اساسی ایشان را نشان می‌دهد، مسئله تکامل در اخلاق است. به نظر ایشان، اگرچه تکامل در علم، فناوری و اقتصاد، امری انکارناپذیر است، اما یک قضیه بدیهی وجود دارد و آن اینکه بشر در طی تاریخ، امتیازات قابل توجهی به دست نیاورده است. به عبارت دقیق‌تر، تمام رشد و پیشرفت در علم و فناوری و اقتصاد، موجب فساد و افساد در روی زمین شده است. این مسئله به این معنا است که بشر در تاریخ انسانی خود، فساد و افسادی فراوانی به راه انداخته است و موجب عقب‌ماندگی او از ارزش‌های انسانی شده است. (همان، ص ۳۶۵-۳۷۰) به نظر علامه، انسان نقش حیاتی، کلیدی و اصلی را در محقق ساختن تکامل در ابعاد مختلف دارد. ایشان از یک سو ذیل

تفسیر آیه ۵۳ سوره انفال، به نقش اساسی انسان در سازندگی تکاملی زندگی مادی و معنوی خود اشاره می‌کند و عامل تحول را انسان می‌داند (همان، ص ۷۴) و از دیگر سو، این انسان را عامل فساد در روی زمین معرفی می‌کند که مانع خیر و کمال شده است.

از مجموع مباحث علامه جعفری به دست می‌آید که ایشان، دیدگاه تکامل را در تمام ابعاد نپذیرفته است. از نظر علامه جعفری تکامل انسان با مسائل اخلاقی همراه نبوده است و فساد انسان با ایده تکامل همخوانی ندارد. (همان، ص ۳۶۴)

بنا بر نظر ایشان، در تاریخ بشری، فساد و افسادی وجود دارد که در شناخت فلسفه تاریخ حتما باید رسیدگی شود.

استاد جعفری، این موضوع که بشر در طول تاریخ، امتیازات قابل توجهی به دست نیاورده است را نخستین قضیه بدیهی در نظر می‌گیرد و تأکید می‌کند که مقصود، عدم پیشرفت در تکنولوژی نیست؛ بدان معنا که انسان، هواپیماهای قاره‌پیما ندارد، جاروبرقی ندارد، اعمال شگفت‌انگیز جراحی را نمی‌داند، کامپیوترهای فوق‌العاده کارساز به دست نیاورده است، وسایل ارتباطی، زمین را مانند یک آبادی چندخانه‌ای نکرده است، که اگر در یکی از آنها سرفه‌ای کنند، دیگری هم آن را می‌شنود. اگرچه همه اینها و صدها برابر آنها، با فکر و دست بشر به وجود آمده و بسیار هم جالب و مهم است. اما بنا بر نظر علامه جعفری، با وجود آن همه امتیازها و پیشرفت‌ها که هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد، به استثنای رگه‌های باریکی از انسان‌های بسیار ارزشمند و رشدیافته که در بین زغال‌سنگ‌های نامحدود و زیاد که جریان اکثریت انسان‌ها است، فساد در روی زمین، فراوان بوده و موجب عقب‌ماندگی بشر از رشد و عظمت قابل دستیابی شده است. همچنین به علت اینکه انسان می‌توانسته است به وسیله تعلیم و تربیت صحیح و بهره‌برداری از حکمت عالی و اخلاق والای انسانی، حیات خود را در گذرگاه دنیا تفسیر و توجیه کند، می‌توان گفت: فساد که بشر در روی زمین، در طول تاریخ به راه انداخته، تا حدی که بتواند تاریخ انسانی برای خود بسازد، قابل اجتناب بوده است. (همان)

علامه جعفری معتقد است بشر برای متکامل شدن روحی خود، حرکتی بادوام و از روی آگاهی انجام نداده است؛ درحالی که می توانسته چنین حرکتی را آغاز کند. ایشان همچنین معتقد است مبتنی بر نظریه حیات معقول، این آرزوی همیشگی بشر در تاریخ یعنی رسیدن به کمال حقیقی، به تحقق خواهد پیوست.

تعریف حیات معقول

مکتب انسانی اسلام، جلودار همه مکتب ها، با نظامی (سیستمی) باز است که به منظور تکاپویی آگاهانه و آزادی معقول بشر، چیزی را بر آدمی تحمیل نمی کند. بنابراین، این موجود دارای دو جنبه (خودخواه پست‌گرا و حقیقت‌خواه تکامل‌طلب) است که با احکام، ارشاد، تعلیم و تربیتی سازنده، که ناشی از تشکل مجموع عقاید، احکام و حقوق است، از چنگال خودخواهی پستی‌گرایانه رها کرده و به جاذبه حقیقت‌خواهی تکامل‌جویانه می سپارد. (همان، ص ۲۰۶)

اصول اساسی حیات معقول

علامه جعفری در تبیینی که از حیات معقول ارائه می دهد، به چند عنصر مهم اشاره کرده که توجه دادن به آنها، لازم و ضروری است و با التفات به این عناصر است که رسیدن انسان به حیات معقول امکان‌پذیر می شود:

اصل اول - حیات آگاهانه: انسان، دارای عنصر حیات آگاهانه است؛ یعنی انسان شخصیتی مستقل دارد و تمام فعالیت‌های وی به شخصیت اصیل او مستند است. لذا رفتارهای انسانی، آگاهانه است و مبتنی بر تقلید و پیروی از دیگران نیست. چنین انسانی به خوبی از هویت خویش آگاهی دارد و اصول و ارزش‌های حیات خود را می شناسد و بر مبنای آنها است که انتخاب می کند و سپس بر اساس انتخاب خود، دست به عمل می زند. (همان، ص ۲۰۷-۲۰۸)

اصل دوم - تأمین و تنظیم کردن زندگی مادی فردی و جمعی: به گونه‌ای که انسان‌ها نباید در جامعه و محیط زندگی خود، دچار فقر و وابستگی اقتصادی توهین‌آمیز بشوند و این اصل تنها با مدیریت منطقی امور اقتصادی از سوی دولتمردان عادل، امکان تحقق خواهد یافت. (همان)

اصل سوم - تسویه حساب بشر با عوامل جبری در زندگی طبیعی: یعنی انسان از نیروها و فعالیت‌های جبری و شبه جبری که در زندگی این دنیای طبیعی او را در بر گرفته، به خوبی مطلع شود و از آنجاکه بشر از قدرت، آزادی و اختیار برخوردار است، می‌تواند در برابر این امور مقاومت کند و آنها را در مسیر هدف نهایی خود و به کمال رسیدن مد نظر خود تنظیم کند. هر قدر که یک فرد و یا یک جامعه، اختیار بیشتری داشته باشد و در این راه پیشرفت کند، به همان اندازه، از حیات معقول، بیشتر برخوردار می‌شود. (همان)

اصل چهارم - فهمیدن بشر نسبت به کمال پایداری: اینکه بشر در تمام مراحل حیات خود تلاش کند تا به مراحل بالاتری از کامل شدن دست یابد. همان ذهن و مغزی که در حیات طبیعی به دنبال بهره‌مندی و سود مادی، مقام و مانند آن به خوبی می‌اندیشد و دقیق‌ترین کارها را انجام می‌دهد، همان ذهن می‌تواند اهداف عالی‌تری مانند برقراری عدالت، مسائلی مانند نمایان ساختن حق در برابر باطل و فهم دقیق درباره جهان هستی را درک کند. (همان)

اصل پنجم - فرآیندی بودن ساخت شخصیت انسان: یکی از نهادهای اصلی در طول تاریخ بشریت در بین انسان‌ها دیده شده است که زیست بهتر و به فعلیت رساندن تمام استعدادها مثبت به منظور تأمین حقیقی سعادت بشر می‌باشد. علامه معتقد است پاسخگوی واقعی این نهاد ریشه‌دار، به طور حتم، همان حیات معقول است. (همان)

اصل ششم - رسیدن به عالی‌ترین هدف زندگی: اصل هدف‌جویی، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پدیده‌های حیات انسانی است و همه کارهای بشریت، بر مبنای هدف‌گیری استوار است. در واقع، در تاریکی حیات طبیعت، بدون به کار انداختن عقل سلیم و وجدان پاک، سبقت‌گیری امکان ندارد. انسان برای ورود به هدف اعلائی زندگی باید از فعالیت‌های

عقل سلیم، که با وجدان ظاهر و دریافت‌های فطری انسانی هماهنگ است، استفاده کند و در این مسیر، به طور جدی اراده کند تا به حیات معقول برسد. (همان)

انسان مبتنی بر اصول حیات معقول می‌تواند در مسیر حرکت تکاملی، کامیاب شود. منظور از انسان، نوع انسان است؛ لذا با فراگیرشدن این نظریه و عملی‌شدن نظریه حیات معقول توسط نوع انسان و عموم انسان، تکامل تاریخی نیز رو به تحقق خواهد بود.

۴. الگوی حرکت تکاملی تاریخ مبتنی بر حیات معقول

علامه جعفری در ذیل تفسیر نهج البلاغه، به مسئله هدف‌آفرینی اشاره می‌کند و این مسئله را اصلی قرار می‌دهد که بر اساس آن، هیچ‌یک از امتیازات دنیا، مانند قدرت در اقسام مختلفش و عوامل لذت و رفاه نمی‌تواند انسانی را که حیات خود را در مسیر هدفی اعلی‌تر قرار داده، از خود بی‌خود نماید. ایشان مثالی می‌آورد که مانند کسی که در مقابل حیات، به غذا و لباس، ارزشی ندهد و فقط آن را وسیله‌ای بدانند که حیات را تأمین می‌کند. از نظر ایشان، انسان هدف‌دار، همیشه از یک روشنایی عالی برخوردار است که در هر لحظه می‌داند که چه می‌کند و به کجا می‌رود. (همان، ص ۱۲۴) به باور علامه، انسان‌ها محصولات عالی روح خود را در این زندگی به وجود می‌آورند و در آن آهنگ کلی که به وجود آورنده هدف نهایی این جهان است، شرکت می‌کنند و محال است کسی که به هدف والای زندگی معتقد است، درباره یک انسان دیگر فریب‌کاری کند. (همان)

علامه در کتاب حیات تصعید تکاملی، راه‌هایی برای تکامل روح بیان می‌کند که بیانگر اهمیت ایشان به مسئله تکامل اخلاقی است. ایشان به مسئله خودطبیعی و خواسته‌هایش و مسئله فطرت و وجدان، عدالت‌داشتن، اشباع هوی و هوس و فساد روح و هلاکت افرادی که خود را نمی‌شناسند، اشاره می‌کند و ضرورت محاسبه، موازنه خویشتن و میزان قراردادن خویشتن در ارتباط با دیگر انسان‌ها، همت عالی‌داشتن به عنوان نیرومندترین عوامل تصعید حیات کمالی، بلندهمتی با هدف سازندگی اجتماع، افزایش ظرفیت دل، زدودن

سینه از کینه‌توزی و بغض‌ها، زدودن توقع پاداش برای تکلیف و را به عنوان راهکارهایی اخلاقی برای تکامل روح بیان می‌کند. (همان)

از منظر علامه، حیات معقول انسانی نوعی حقیقت مطلق است که هیچ‌یک از مکتب‌های فلسفه و علم، قدرت قراردادن آن را در مجرای معامله و مبادله ندارد، مگر با دادن مطلقى والاتر از آن. فلسفه بافی‌ها و علم‌پرستی‌هایی که این مسئله را محوری در قلمرو ذهن و در صحنه عینی حیات، وسیله بازی خود قرار دهند، چیزی جز خیالات ضررآمیز که در فلسفه و علم ابراز می‌شود، نخواهد بود. (همان، ص ۲۰۵)

به نظر استاد جعفری، مکتب اسلام هرگونه تلاش و فعالیت اقتصادی، سیاسی، هنری و حقوقی را بر اساس همین محور (حیات معقول انسانی) قرار می‌دهد و هیچ‌یک از آن امور را به طور جداگانه و گسیخته از این محور نمی‌پذیرد. مسئله حیات معقول، یک مبنای جدی و بنیادی در منظومه فکری علامه جعفری است که نظریه تکامل تاریخی ایشان را هم تحت الشعاع قرار می‌دهد.

علامه جعفری در کتاب «انسان در افق قرآن» اصول کلی حرکت تحول را در جهان هستی و انسان را از نظر علمی و فلسفی توضیح می‌دهد. استاد جعفری حرکت و تحول را از نظرگاه علم و فلسفه بیان می‌کند و درباره علت و سبب اصلی پذیرش حرکت جهان هستی و پویابودن انسان در علم و فلسفه، به دو منبع مهم اشاره می‌کند. اولین منبع، درون‌ذاتی است؛ یعنی نوعی احساس ملموس وجود دارد که همه در حال اعتدال روانی، آن را در درون خود احساس می‌کنند و درمی‌یابند. این احساس، هم از لحاظ فیزیولوژیکی و هم از لحاظ روانی، قابلیت بررسی دارد. دومین منبع، برون‌ذاتی است؛ یعنی واقعیتی بیرون از ذات وجود دارد که در همه اجزا و روابط جهان هستی با نمودهای مختلف خود قابلیت دیده شدن دارد و یا در رتبه بعد با استدلال‌های عقلی می‌تواند اثبات شود. به تعبیر ایشان، هیچ‌کس به جز نیهیلیست‌ها، که واقعیت خود را نیز مورد شک قرار می‌دهند، در اصل وجود تحول در طبیعت و انسان، شک و تردیدی ندارد.

۵. اصول کلی حرکت و تحول از دیدگاه علامه

۱. بدون هیچ شکمی، حرکت و تحول وجود دارد.
۲. حرکت و تحول، دارای انواع مختلفی است که در رشته‌هایی جداگانه بررسی می‌شود.
۳. تفاوت و متنوع بودن حرکت‌ها، به تفاوت آنچه مورد پذیرش حرکت است، در پیشرفت علم طبیعی و علوم انسانی ربط دارد.
۴. وقتی که مغز انسان با حرکت و تحول، چه منظر بیرونی آن و چه منظر درونی‌اش روبه‌رو می‌شود، دو نوع دریافت خواهد داشت: یکی فهم خالص اصل حرکت مثل رنگ؛ و دوم، درک بازتابی حرکت است که ذهن انسان، حرکت را طوری درمی‌یابد که بدون اختیار، به فعالیت زمان‌سازی دست می‌زند.
۵. تنوعی که در عناصر و اشکال ماده و رابطه آنها مورد مشاهده قرار می‌گیرد. (همان، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

استاد جعفری علی‌رغم پذیرش تغییر و تحول در هستی به‌طور کلی و در انسان به‌طور جزئی، در خصوص مسئله تکامل تاریخی با ابراز تعجب از ادعای سیر تکاملی تاریخ و انسان با وجود جنگ‌های اقویا علیه ضعفا، به‌ویژه بر ملت‌هایی که تازه انقلاب کرده‌اند و با این انقلاب، کشور ضعیف شده است و خرابی‌هایی که انسان در آن به وجود می‌آورد، سیر تکاملی تاریخ را مبهم و غیر قابل اثبات می‌داند و تکامل دانستن تغییرات انسان در طبیعت را غیر معقولانه بیان می‌کند و می‌گوید:

«با توجه به مجموع سرنوشت بشر، حرکت تکاملی انسان در تاریخ، یک موضوع بسیار غیر قابل توضیح و اثبات با ابهام فراوان است. زیرا از یک سو، نظر به گسترش تصرف انسان در طبیعت و به دست آوردن نظریات علمی جدید در دو قرن اخیر، انسان خود را رو به تکامل می‌داند، لکن از سوی دیگر، بسیاری از ارزش‌های انسانی را نادیده گرفته و زیر پا گذاشته است و اینکه انسان رو به تکامل بوده است، فقط نگاه بسیار خوشبینانه و غیر عقلانی به این مسئله می‌باشد. (همان)

ایشان در اثبات اینکه ادعای تکامل، واهی است، به نکبت‌ها و بدبختی‌های انسان در تاریخ اشاره دارد که بنابراین انسان برای تکامل ارزشی خود، حرکت مستمر قانونی انجام نداده است. وی در این راستا به مواردی اشاره می‌کند که انسان مدعی در این موارد، کوتاهی کرده است و بلکه عقب‌گرد داشته است. ایشان در این زمینه، به حدود ۵۲ مورد اشاره دارد و آن را به نقد می‌کشد که برای جلوگیری از تکرار، چند مورد به اختصار اشاره می‌شود:

۱. آیا بشر توانسته است قدمی در راه توسعه و تقویت هشیاری‌های خود بردارد؟ آیا جز این است که هر چه زمان پیش رفته، انواع بیشتری از عوامل تخدیر و سرکوبی هشیاری‌ها رواج پیدا کرده است؟
۲. در مسیر تکاملی که این عاشق پیش گرفته است، عشق‌های سازنده و به وجود آورنده خیرات، از صحنه زندگی رخت بر بسته است.
۳. چگونه می‌توان خشکیدن عواطف و احساسات شرافتمندانه انسانی را از نتایج تکامل بشری دانست؟ امروز بشر با مشکلات اخلاقی زیادی مواجه شده است.
۴. از منظر منطق تکامل، آیا حق پیروز است یا قدرت؟ طرح این سؤال، رسوایی انسان را درباره پسرقت خود بیان می‌کند.
۵. این بینوای بینوایان که در مسئله تکامل، بسیار پرادعا است، هر وقتی که به قدرت رسیده است، از زیادت تکامل!! اول خود آن قدرتمند از مالکیت بر خود ناتوان شده و همه اصول و قوانین انسانی را زیر پا گذاشته، و بعد همان قدرت را در راه تخریب و نابود کردن قدرت‌های دیگران، مستهلک کرده است تا به آن قدرتمندان تسلط یابد و اداره زندگی آنان را به اراده خود مشروط کند. با این حال، همچنان سخن از تکامل یافتگی می‌زند». (همان، ۱۳۷۸، ص ۸۷-۸۹)

آیا تکامل با جبر سازگاری دارد؟ اگر تاریخ جبراً ساخته می‌شود، آیا می‌توان ادعا کرد که تاریخ در تکامل است؟ استاد جعفری در ادامه بحث خود به این موضوع اشاره می‌کند و بار ردّ افرادی که از طرفی، ادعای تکامل تاریخ دارند و از طرفی هم به جبر تاریخ نیز معتقد هستند، می‌فرماید:

«تکامل با جبر، سازگار نمی‌باشد. اصلی وجود دارد که همه ادیان و مکتب‌های اخلاقی مستند به ادیان و حکمت‌های سازنده انسانی، آن را پذیرفته‌اند. بنابراین اصل، انسانی که از روی آگاهی و اختیار، یک سنگ را از مسیر هم‌نوعان خود برمی‌دارد، در راه و روش تکامل است، ولی بشری که ناآگاهانه و به‌وسیله عواملی جبری، جهانی را می‌سازد، در مسیر تکامل نیست.» (همان)

چگونه می‌توان انسان و جریان تاریخی را که جبراً به جایی رسیده باشد را تکامل دانست و به آن افتخار کرد؟ تکامل در این صورت معنا می‌دهد که انسان با اختیار خود به جایی برسد و به آن فخر بفروشد کما اینکه از بیان استاد جعفری، که این امتیاز را به دو قسم تقسیم کردند، می‌توان این مطلب را استنباط نمود. (همان، ص ۱۲۷)

استاد جعفری، وجود پیامبران و برنامه‌های دینی آنان را در به‌تکامل‌رساندن انسان‌ها و در ادامه، سیر تکاملی تاریخ، بسیار موثر ذکر می‌کند؛ چرا که آن برنامه، نه تنها انسان‌ها را از فساد و افساد در زندگی و جوامع، دور می‌کند؛ بلکه در انگیزه و تلاش انسان‌ها برای تعالی و تکامل زندگی و جامعه خود بسیار مثمر ثمر است. ایشان در بیان این مطلب می‌گوید:

«به اعتقاد ما، پیامبران بزرگ خدا، عقول و وجدان‌های پاک انسانی را به منظور به‌کمال‌رساندن آماده می‌کردند و عامل حرکت و تکامل را در بشر به وجود می‌آوردند. این یک حرکت پیوسته و دائمی بود که توسط انبیاء در تمامی زمان‌ها ادامه داشته است.» (همان، ص ۱۲۸)

در ادامه، علامه جعفری با بررسی و تفسیر آیات هدایت و ضلالت، بیان می‌دارد که دنیا کارگاهی است که انسان‌ها با اختیار خود می‌توانند هر فعالیتی که می‌خواهند را انجام دهند و سعادت و شقاوت بشر به اختیار خودش بستگی دارد. (همان، ص ۲۴۷) ایشان وجود

۱. اگر بخواهیم این مسئله را طوری مطرح کنیم که هیچ متفکر و هیچ مکتبی نتواند اعتراضی به آن داشته باشد، چنین می‌گوییم که امتیاز بر دو قسم است: الف) امتیاز جبری مانند زیبایی طبیعی و قد و قامت رسا. ب) امتیاز اختیاری مانند عادل‌بودن و فراگرفتن دانش و حق‌شناسی و تکاپو برای خدمت به هم‌نوع و غیر ذلک.

پیامبران برای بشریت، به همراه وجود نیروی عقل و وجدان را به مثابه داروهایی در نظر می‌گیرد که طبیعت برای مریض تجویز می‌کند تا استفاده آن دوا، بهبودی را برای مریض رقم زند. ایشان اسباب رستگاری بشر را که از سوی خداوند برای انسان‌ها فراهم شده را نیز چنین ضروری می‌دانند. (همان، ص ۲۵۷)

بنابراین، مطابق با نظر علامه، آنچه مایه سعادت یا شقاوت انسان می‌شود، کارهای اختیاری اوست نه آنچه از ناحیه طبیعت بر هستی تحمیل شده است. لذا انسان، هم می‌تواند از سرمایه وجودیش بهره‌برداری کند و هم می‌تواند این کار را انجام ندهد و هر کدام از این دو، مسیر و حرکتی را در بشریت ترسیم کرده‌اند که منجر به شکل‌گیری دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ می‌شود.

به نظر می‌رسد علامه جعفری، مانند سایر اندیشمندان اسلامی، با عنایت به قرآن، جریان هستی را بر اساس حق می‌داند و حق را اصیل. در مقابل، باطل اگر چه کلاً نفی نمی‌شود، اما غیر اصیل است. ایشان می‌فرماید: «از ملاحظه اندیشه‌ها و رفتارهای بشری در طول تاریخ می‌توان به این نتیجه رسید که با قطع نظر از عوارض ثانوی که گریبان‌گیر فرد و جامعه می‌گردد و وضع روانی آنان را منحرف می‌سازد، تقسیم موضوعات به روابط حق و باطل در مغز بشری ریشه بسیار اصیلی دارد؛ خواه به وجودآورنده آن را خدا بدانیم و خواه طبیعت اجتماعی بشر. البته تفاوتی در این نیست که ریشه اساسی شناخت حق از باطل را خدا بدانیم که در دل به وجود آورده، محیط و اجتماع را می‌رویاند و مطابق با قوانین خود، آن را بارور می‌سازد. به هر تقدیر، تقسیم اشیاء و رویدادها و روابط میان آنها بر حق و باطل، قابل تردید نیست، چنان‌چه وجود قطب‌نمای درونی به نام وجدان، قابل شک و انکار نیست. نهایت این است که هریک از اقوام و ملل و هر گروهی از انسان‌ها با هدف‌گیری که درباره حیات فردی و اجتماعی خود منظور می‌کنند، حق و باطل را تفسیر و توجیه می‌کنند و برای وجدان، حقیقت و فعالیت را در نظر می‌گیرند». (همان، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۷۳) در مجموع، می‌توان گفت که ایشان معتقد است بشر در راه تشخیص حق و باطل

در هر زمانه‌ای تلاش‌هایی را دارد، ولی چون منابع و ریشه‌های حق و باطل، بدون راهنمایی پیامبران، قابل درک نیست، بشریت در حرکت تاریخ خود بارها به خطا رفته است. دیگر اینکه ایشان بر اساس مبنای حیات معقول، هر پدیده‌ای را که اثر مثبت داشته باشد، حق می‌دانند و انسان‌ها را بازیگرانی در مسابقه حق و باطل می‌پندارد؛ زیرا حق و باطل، دو نقیض هستند که در یک موقعیت، جمع نمی‌شوند و انسان‌های حق‌طلب و باطل‌جو هستند که رویاروی همدیگر صف‌آرایی می‌کنند و مسیر حرکت تاریخ را به سوی کمال یا نقص، رقم می‌زنند. به اعتقاد ایشان، اگر در هر دوره‌ای، حق ابراز می‌شد و واقعیات بیان می‌گردید، سطح حیات بشری، عظمتی عظیم پیدا می‌کرد. ایشان پنهان‌کردن این حقایق را به عنوان اساسی‌ترین عامل رکود حیات بشری در زندان خودخواهی می‌دانند که موجب کندی بهبودی روان انسان و پیشرفت توسعه بشر می‌داند.^۱

۶. ملاحظاتی در باب دیدگاه علامه جعفری

علامه جعفری پس از حدود نیم قرن، زمانی که مباحث فلسفه نظری تاریخ، در محافل علمی ایران جدید وارد شده بود، به ارائه مباحث آن توجه نشان داد و آن را مبتنی بر اصول فلسفی، تاریخی اسلام بررسی کرد. این بسیار ارزشمند است و از همین منظر، تلاش استاد جعفری برای تبیین و نقد نظریه‌های مطرح درباره تکامل در تاریخ و بیان دیدگاهی جدید درباره آن، میراثی ارزشمند و ماندگار و مؤثر برای محققان حوزه فلسفه نظری تاریخ می‌باشد. لکن از آنجا که نظریات علمی اگر با جستجویی از روی تفکر و تأمل بررسی شود، به مرور زمان، قدرت پیدا می‌کند، در این قسمت، درباره دیدگاه تکامل فطری تاریخ، مسائلی مطرح می‌شود که توجه به آنها می‌تواند دارای فایده باشد.

۱. همان، نقل به مضمون.

۶.۱. منحصر دیدن تکامل بر عنصر اخلاق

همان طور که بیان شد، علامه جعفری در تمام منظومه فکری شان مبتنی بر اصل حیات طیبه و حیات معقول، به نظریه پردازی پرداخته است. در بحث تکامل تاریخ نیز ایشان حیات طیبه و دستیابی به آن را اصل گرفته و تکامل تاریخ را در اخلاق، اولویت می دهد که با ادبیات رایج در تکامل تاریخ، فاصله جدی دارد.

۶.۲. ابهام

حقیقتاً نوعی ابهام، تناقض یا عدم هماهنگی در مجموع سخنان و مطالب علامه جعفری در خصوص اندیشه تکامل در تاریخ پیدا می شود. استاد از یک سو معتقد است: تکامل در امور مادی، محقق است و پیشرفت های بشری در امور مادی، نوعی از تکامل است. ولی از سوی دیگر، تکامل تاریخ را تنها در ابعاد اخلاقی خلاصه می کند و فساد انگیزی در زمین را مانع تکامل تاریخ از منظر اخلاقی می داند. (همان، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۳۶۴)

۶.۳. فقدان استدلال کافی برای اثبات نظریه

نکته ای مهم که درباره دیدگاه «تکامل تاریخ بر اساس حیات معقول» قابل ملاحظه است، کم بودن استشهادهای فلسفی لازم برای اثبات این نظریه است. بیشترین استنادات علامه، به قرآن و روایات است و این مسئله، نظریه ایشان را به نظریه ای درون دینی مبدل می سازد.

۶.۴. وجه جمع

علامه جعفری، تکامل در تاریخ را در ابعاد مختلف مادی، اعم از علمی، فناوری، بهداشتی و ... می پذیرد؛ لکن ایشان اولویت اصلی و ارزش اصلی انسانیت انسان را مسئله اخلاق می داند و با توجه به فسادهای موجود که توامان با رشد تکنولوژی افزایش داشته است، تکامل تاریخ را محقق ندانسته است. البته ایشان معتقد است که با ظهور مصلح

جهانی، تکامل تاریخ در تمام ابعاد، محقق خواهد شد و جبهه حق علیه باطل پیروز خواهد بود. ایشان می‌فرماید: «این حرکت رو به تکامل دائمی، همان‌گونه‌که برای هاییل فرزند حضرت آدم علیه السلام جریان داشته، برای نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد، علی علیه السلام و پیروان راستینشان نیز در دنیای کنونی جریان دارد». (همان، ص ۴۲۱)

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم فلسفه نظری تاریخ، مسئله جهت حرکت تاریخ است. بسیاری از فیلسوفان تاریخ، قائل به حرکت تکاملی تاریخ هستند و رشد بشر در تکنولوژی را دلیل بر ادّعای خود می‌دانند. این دیدگاه، به صورت کاملاً مادی به جهان می‌نگرد و امور غیر مادی مانند وحی، خدا و رسولان را نادیده می‌شمارد. علامه جعفری در تفسیر نهج البلاغه توضیح‌حاتی درباره چیستی، ابعاد و عرصه‌های تکامل تاریخ بیان کرده است. علامه جعفری مبتنی بر رسالت و آرمانی که انبیا الهی برای بشر از جانب خداوند متعال داشته‌اند، قائل به تکامل تاریخ است. اگرچه ایشان تکامل را هم در بعد علمی، تکنیکی و فناورانه می‌پذیرد و هم در بعد روحی و فطری بشر، اما با استناد به آیات متعددی از قرآن کریم، عنصر محوری تکامل تاریخ را فقط مسئله اخلاق و حیات معقول و طیبه می‌داند. به عقیده ایشان، اساساً انبیاء الهی، هدف و مأموریتی جز سرپرستی تکامل بشر و به عبارتی تاریخ نداشته‌اند. اما در ساحت عمل و آنچه واقع شده است، ایشان قائل به تکامل اخلاقی بشر در طی تاریخ نیست و حدود پنجاه مورد شاهد برای اینکه تاریخ، مسیر تکاملی خودش را طی نکرده است، بیان می‌دارد.

تأملات علامه جعفری به عنوان یک فیلسوف و عالم دینی، بسیار ارزشمند است؛ اما به نظر نگارنده، انتقاداتی بر نظر علامه جعفری وارد است. ایشان تکامل تاریخ را به تکامل آحاد بشر گره می‌زنند، لذا به نظر می‌رسد یک نوع کمیت‌گرایی بر نگاه ایشان غلبه دارد؛ درحالی‌که تکامل تاریخ را می‌توان با تأکید بیشتری بر محور درگیری دو جبهه حق و باطل

ترسیم کرد و با اثبات اینکه جبهه حق، که حرکت تکاملی خود را با بعثت نبی اکرم ﷺ شروع کرده، امروز چه توفیقاتی داشته است، موازنه قدرت را به نفع جریان حق، به خوبی به تصویر کشید. البته باید توجه داشت که در طول تاریخ، اراده رحمانی و اراده شیطانی، در نزاع و درگیری هستند و اراده‌های شیطانی، بزرگ‌ترین موانع انسان در رسیدن به کمال هستند.

از طرفی، آیات استضعاف یا استخلاف، که وعده پیروزی مستضعفین و صالحان را در پایان تاریخ می‌دهد، با این نگاه حق و باطلی، سازگارتر می‌باشد و با مبنای استاد جعفری که قائل به تکامل تاریخ در عرصه تحقق اجتماعی نیست، سازگار در نمی‌آید. به عبارت دیگر، چگونه وقتی بشر رو به انحطاط می‌رود، پایان تاریخ به نفع مستضعفین رقم می‌خورد؟! برای دستیابی به نظام فکری علامه محمدتقی جعفری رحمته‌الله پیشنهاد می‌شود ابتدا در تحقیقاتی جداگانه، نظرات ایشان در خصوص مسائل فلسفه تاریخ، مانند قانونمندی تاریخ، متناظر با مبانی فلسفی اخذشده از سوی ایشان، بررسی شود و در مرحله بعد، سیر تطور فکری علامه جعفری رحمته‌الله از مباحث فلسفی محض به مسائل فلسفه نظری تاریخ ردیابی گردد. بدین ترتیب، تبیینی هدفمند از رهاوردهای فکری علامه جعفری رحمته‌الله به دست خواهد آمد که در بررسی نظرات ایشان در سایر مباحث از جمله جامعه‌شناسی و اخلاق، راهگشا خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) کتاب

۱. جعفری، محمدتقی، ۱۳۹۶ش، مجموعه آثار فلسفه اجتماع، تاریخ و تمدن، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۲. _____، ۱۳۸۷ش، انسان در افق قرآن، قم: انتشارات پیام.
۳. _____، ۱۳۶۰ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. _____، ۱۳۸۶ش، جبر و اختیار، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۵. _____، ۱۳۷۸ش، تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام، تهران: انتشارات پیام آزادی.
۶. _____، ۱۳۸۰ش، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

ب) مقاله

۱. سلیمانی، جواد، ۱۳۹۴ش، «بررسی و نقد اندیشه تکامل تاریخ از منظر استاد مطهری»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، سال دوازدهم، بهار و تابستان، ش ۱، ص ۳۵-۵۴.
۲. عرفان، امیرمحسن، ۱۳۹۰ش، «بازنمایی ابعاد تکامل تاریخ از نظرگاه آموزه نجات‌گرایانه مهدویت»، نشریه مشرق موعود، سال پنجم، زمستان، ش ۲۰، ص ۱۱۷-۱۴۱.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی